

شیوه و روش برخورد پیامبر با مشرکان
و کافران از منظر قرآن کریم

عنوان انگلیسی:

عنوان عربی:

نویسنده: لیلیا ملکی

استاد راهنما: جناب مهدی رفیعی موحد

مقطع: کارشناسی

استاد مشاور:

رشته:

استاد ناظر:

دانشگاه: شورای عالی حوزه علمیه قم

تاریخ دفاع: 1385

واحد:

کلمات کلیدی: شرک, کفر, کفار, مومن, کافران, مشرکان

عنوان موضوع: شیوه و روش برخورد پیامبر با مشرکان و کافران از منظر قرآن کریم در ابتدا به توضیح واژه های شرک و کفر می پردازم تا بهتر بتوانیم این گروه را بشناسیم. شرک در معنای عرب در مفاهیم شریک قرار دادن، با کسی در کاری شریک شدن معنا شده است و واژه کفر نیز از نظر لغت شناسان عرب یک معنای کلی دارد و آن پوشاندن است. بر اساس آیات به دست آمده از قراءن توانستم برخی از شیوه ها و روش های برخورد پیامبر با مشرکان و کافران را به دست آورم بر اساس آیات 83 یس، 16 شوری 39 فاطر و ... رجوع به تفاسیر مختلف توانستم دریابم که یکی از شیوه ها و روشهای پیامبر، توجه دادن این گروه به فطرت خداشناسی بود که ایشان قصد داشتند تا آنها را به این نورالهی که خداوند در وجودشان به ودیعه نهاده است آگاه سازد و همچنین بر اساس آیات 157 انعام، 72 اسراء، 43 فرقان و ... دعوت پیامبر از این گروه به تدبیر و تفکر را استخراج نمایم که در روایات زیادی از پیامبر و اهل بیت ایشان، به این مهم و تاکید شده است. لهذا با وجود آیات 108/ انعام، 53/ اسراء و ... نحوه برخورد با این گروه به دست آمده که باید با این گروه بر اساس استدلال و منطق نیکو و حکیمانه وارد بحث شد و کسی که توانایی استدلالی بالا دارد باید به مناظره با این گروه پردازد، چرا که شیوه پیامبر نیز به این صورت بود که اجازه این کار را تنها به افرادی می داند که از اطلاعات دینی و آگاهی کافی برخوردار بودند و به غیر از این اجازه نمی دادند که کسی به برخورد با این گروه پردازد. و با استفاده از آیات 45/ اسراء، 22/ زخرف و ... دریافتم که پیامبر به شدت از تقلید کردن کورکورانه از نیاکان نهی و برخورد می نمودند و آنها را متوجه می نمودند که آگاهانه تکالیف الهی را بپذیرند همچنین بر اساس آیه 42 روم آنها را دعوت به مطالعه تاریخ می کند تا بلکه از گذشتگان خود عبرت بگیرند و راه حقیقی و اصلی خود را دریابند زیرا حوادث و تحولات به دلیل وجود سنن حاکم ، برخی به برخی دیگر شبیه اند و دقت در تاریخ موجب بصیرت و عبرت می شود. و با استفاده از آیات 107/ انعام، 111/ انعام. و ... اختیاری بودن پذیرش اسلام را در می یابیم که پیامبر با زور و اجبار و تحمیل کسی را به اسلام وادار نکرد و این سنت خداوند است. زیرا که اگر زور و تحمیل

در کار باشد آنوقت اثر تکاملی خود را بر روح و روان انسان نخواهد گذاشت. همچنین بر اساس آیات 100 / کهف، 54/عنکبوت و ... متوجه می شویم که پیامبر بعد از طی کردن مراحل گذشته و اثر نکردن این برخوردها بر روحیات این گروه، آنها را متوجه به تهدید بعضی از آیات می کند که اتمام حجت را بر مشرکان و کافران بنماید تا دیگر جای هیچ گونه بهانه ای برای آنها نماند. و بر اساس آیات 105/کهف، 4 یونس و ... پیامبر این گروه را متوجه این نکته می سازد که اگر عذابی برای آنها می باشد این از عدل خداوند اس و نشأت گرفته از بی عدالتی پروردگار نیست. بلکه از رئوف بودن و رحیم بودن خالق است که نسبت به بندگان خود بی تفاوت نمی باشد. آنها را با توجه به توانایی و تلاش اختیاری خودشان کیفر و پاداش می دهد. و در آخر به بحث تشبیه به کفار پرداختیم تا وظیفه خود را در مقابل این گروه دریابیم، بر اساس آیات و روایاتی که موجود بود دریافتیم که خداوند به شدت از دوستی با این گروه نهی می نماید تا اراده و اعتماد به نفس در این گروه تضعیف شود و به خود بیایند و تفحص بیشتر نسبت به اسلام داشته باشند